

یک کمر بند، یک راه: علیه طبقه‌ی کارگر و محیط زیست

محمد صفوی



در موقعیتی که کشور ما یکی از غیرانسانی‌ترین تحریم‌های اقتصادی را از جانب امریکا و متحدانش تجربه می‌کند و بحران‌های پرشمار زیست‌بومی و سیاسی و اقتصادی و ویروس عالم‌گیر و مهلک کرونا مردم را درمانده و کم‌توان کرده انتشار ویرایش نهایی برنامه‌ی همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین نیز یکی از موضوعات خبرساز این دوران شده است. از آن‌جا که تاکنون چارچوب ابتکار «یک کمربند - یک راه» مبنای شکل‌گیری تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای دیگر کشورها بوده است، در مقاله‌ی حاضر، از منظر یک کارگر زیست‌بوم‌باور به دغدغه‌ها و نقدهایی که در مورد این «ابتکار» وجود دارد می‌پردازم.

نوشته‌ی حاضر در تلاش است با توجه به داده‌هایی که از جانب کنشگران محیط زیست و فعالان کارگری و اجتماعی کشورهای آسیایی و افریقایی منتشر شده است نشان دهد «یک کمربند - یک راه» و تفاهم‌نامه‌ها و معاملاتی که در این چارچوب شکل گرفته‌اند پروژه‌هایی هستند سرمایه‌محور با انگیزه‌ی سود و با رویکرد صنعتی مشخصی شکل گرفته‌اند، نه یک رویکرد اجتماعی پیشرو. «ابتکاری» است که بر افزایش تولید صنعتی با انگیزه‌ی سود متکی است. پروژه‌ای است از طریق ساختار فرماندهی از بالا و تحت قوانین بازار برای انباشت بیشتر و گسترش اقتصادی بیشتر و در نتیجه باعث تخریب بیشتر محیط زیست می‌شود و با نقض حقوق ابتدایی کارگران و نیروی کار همراه است. به این سبب به چنین تفاهم‌نامه‌های دراز مدتی که حق حمایت دولت‌ها را از تولیدات ضعیف داخلی و محلی خود نفی می‌کند و بافتار اصلی‌اش همان الگوی توسعه‌ی اقتصادی و بحران‌آفرین و تجربه‌شده‌ی سرمایه‌داری غرب و شوروی دهه‌ی ۱۹۳۰ به بعد است باید به دیده‌ی شک و تردید و انتقادی نگاه کرد.

در بخش مقدماتی سند همکاری جامع ایران و چین آمده است:

«... این سند ترسیم‌کننده‌ی فصلی جدید در سپهر مناسبات دو تمدن بزرگ آسیایی چین و ایران و گامی مؤثر جهت تحقق اراده‌ی مشترک رهبران در جهت تعمیق روابط دو‌جانبه و تقویت همکاری‌های دو جانبه در زمینه‌های مختلف در چارچوب ابتکار «کمر بند - راه» می‌باشد...»

ابتکار «کمر بند - راه» یا پروژه‌ی «یک کمر بند - یک راه» یا «جاده‌ی ابریشم قرن بیست و یکم»، پروژه‌ای است راهبردی که نخستین بار توسط رئیس‌جمهور کشور چین، شی جین پینگ در سال ۲۰۱۳ مطرح شد. این ابتکار در سال ۲۰۱۵ توسط هیئت مرکزی حزب کمونیست چین به تصویب رسید. سپس عملیاتی شدن آن با تأمین سرمایه‌گذاری کلان یک تریلیون دلاری آغاز شد. سهم «بانک توسعه‌ی چین» ۸۹۰ میلیارد دلار است. «صندوق مالی توسعه‌ی جاده‌ی ابریشم» ۵۰ میلیارد دلار به این پروژه اختصاص داده و ۱۰۰ میلیارد دلار دیگر نیز توسط «بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا» برای انجام بیش از ۹۰۰ پروژه در اختیار این سرمایه‌گذاری کلان قرار گرفته است.

اسناد و تفاهم‌نامه‌هایی که در چارچوب این «ابتکار» شکل گرفته‌اند دارای کلیدواژه‌های جذاب و وسوسه‌انگیزی مانند «توسعه، بندرسازی، ساختمان‌سازی سبز، انرژی پاک و...» هستند که البته این واژه‌های جذاب می‌تواند برای بسیاری از دولت‌های درمانده، طیفی از کارشناسان و روشنفکران و اقتصاددانان نولیبرال و برای مردم بیکار و گرسنه جذاب باشند. اما تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد چنین قراردادهای یا تفاهم‌نامه‌هایی که بافتار اصلی آن‌ها بر سود و بهره‌وری نامحدود از منابع محدود طبیعی و استثمار نیروی کار استوار است، نه رویکرد روبه‌جلویی ارائه می‌دهند و نه چالش عمده‌ای برای نظام تک‌قطبی سرمایه‌داری مسلط بر جهان محسوب می‌شوند و نه در درازمدت می‌توانند به حل بحران اقتصادی کمک کند. این الگو نیز ادامه‌ی همان الگوی رشدی است که طی دو قرن پیش با انقلاب صنعتی و نظام سرمایه‌داری

آغاز شد. رویکردی که هم اکنون کره‌ی زمین را با بحران‌های پر شمار زیست‌بومی و گرمایش زمین، بیماری‌های ویروسی عالم‌گیر و فقر و شکاف طبقاتی گسترده و بی‌سابقه و توسعه‌ی نابرابر و سقوط تمدنی به آستانه‌ی فاجعه‌باری رسانده است.

تاریخ یادآوری می‌کند که همه‌ی تمدن‌های انسانی در دوره‌های مختلف با وعده‌های شیرین پیشرفت و متمدن کردن مردم سیاست اقتصادی و جهان‌گستری خود را به پیش می‌بردند. امپراتوری فرانسه، در اوج رونق، برای تسلط بر منابع کشورهای ضعیف‌تر به نام پیشرفت به «مأموریت متمدن‌سازی» خود باور داشت. امپراتوری بریتانیا نیز برای تسلط بر منابع و نیروی کار ارزان دیگر کشورها، تحت نام آبادگری به «مسئولیت سفیدپوستان» اعتقاد داشت. این اعتقاد، به بزرگ‌ترین جنایت‌ها علیه مردم تحت ستم انجامید و به قول مارکس: «این تمدن‌ها پس از خود بیابان‌ها به‌جا گذاشتند!» امپراتوری آمریکا نیز با استفاده از ادبیات فریبنده، زور، کودتا مانند نیاکان پیشین خود اعتقاد دارد که جهان متمدن را رهبری و پاسداری می‌کند و کشور منحصره‌فردی است. ادعایی فریب‌کارانه از زبان‌بازی حکومتگران امریکایی است که همراه با ریشه‌کنی و نابودی ساکنان مردم اولیه بومی آن کشور آغاز شد.^۱ و از برده‌داری تا نژاد پرستی و جنگ و ویرانی در ویتنام، امریکای لاتین و عراق و افغانستان و لیبی و یمن با کشتن میلیون‌ها انسان و تخریب زیست‌بوم مناطق مختلف جهان ادامه پیدا کرد. گرچه کشور و مردم رنج‌دیده‌ی چین تا قبل از انقلاب رهایی‌بخش خود قربانی سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی استعماری و امپریالیستی بودند اما به این دلیل که طی چهار دهه‌ی گذشته حکومتگران چین با رویکردی سرمایه‌دارانه و سودمحور بر پایه‌ی تخریب گسترده‌ی زیست‌بوم خود و نقض ابتدایی‌ترین حقوق کارگران، اقتصاد و سیاست خود را به پیش بردند نمی‌توان به این قدرت اقتصادی

^۱ رونالد رایت. تله پیشرفت. پژوهشی در زمینه‌ی زیست‌محیطی فروپاشی تمدن‌های باستانی. ترجمه

نوپا نیز دل بست که حافظ محیط زیست و مدافع حقوق ابتدایی کارگران و بانی توسعه‌ی پایدار و ترازمند درهماهنگی با طبیعت و انسان در کشورهای ناتوان و کم‌توان دیگر باشد.

خیزش چین به‌عنوان قدرت اقتصادی

انقلاب دموکراتیک نوین چین^۱ که پس از یک دوره جنبش‌های انقلابی و مبارزات آزادیبخش به رهبری مائوتسه دون در سال ۱۹۴۹ به‌ثمر نشست بی‌شک یکی از اثرگذارترین انقلاب‌های قرن بیستم در جهان بود. این انقلاب موفق به شکست دادن امپریالیسم ژاپن و نظام فئودالی در چین شد و بی‌تردید نقش بزرگی در رهایی ملی و بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان و تهی‌دستان شهر و روستا ایفا کرد. این انقلاب تا سال ۱۹۷۸ دستاوردهای بزرگ اجتماعی و اقتصادی و زیر ساختی مهمی به‌دست آورد. «نسبت درآمد و شکاف دستمزدی بین جمعیت شهری و روستایی و بین کارگران و کشاورزان کم‌تر شد. امنیت غذایی تأمین شد. از نظر شاخص بهداشت عمومی و آموزش به کشورهای پیشرفته نزدیک شد.»^۲ پس از فرازونشیب‌های فراوان، در پی مرگ مائو، دنگ شیائو پینگ از جناح راست حزب کمونیست چین به قدرت رسید. از آن پس خداحافظی با پدیده‌ی مائوئیسم و سوسیالیسم آغاز شد. کمون‌های کشاورزی از بین رفتند. امنیت شغلی برداشته شد و سیستم کار قراردادی و پیمانی به‌جای کارهای رسمی دولتی نشست.

^۱ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به مقاله آموزنده انقلاب چین. سعید رهنما. ۶ جون ۲۰۱۷. نقد اقتصاد سیاسی

^۲ Apo Leong and Surendra Partap. China's Capitalist Development and its Implications for labour With special Reference to the Shenzhen SEZ. AMRC, 2011.

به تدریج از سال ۱۹۷۹ سیاست درهای باز در پیروی از اقتصاد سرمایه‌داری در چین آغاز شد. کشور چین در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ درهای خود را به روی «سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی» گشود. نوعی از سرمایه‌گذاری، که توجه مرکزی آن هزینه‌ی تولید ارزان و نیروی کار ارزان، مخالفت با تشکیل‌یابی کارگری و علیه هرگونه قوانین و پوشش حمایتی برای کارگران است. درچنین چارچوبی در محدوده‌ی کناره‌های شرقی این کشور مناطق «ویژه‌ی آزاد تجاری» شکل گرفتند. در این مناطق ویژه میلیون‌ها کارگر زن و مرد مهاجر از روستاهای چین تحت قوانین جدید زیر فشار سیاسی با نازل‌ترین دستمزد و مزایا، ساعات کار طولانی و تحت شرایط نایمن و غیربهداشتی، مشغول به کار شدند. از آن پس کشور چین به بزرگ‌ترین کارخانه‌ی جهان تبدیل شد. «در میانه‌ی دهه‌ی ۹۰ شرکت‌های بزرگ متعلق به دولت چین شکل گرفتند. در سال ۱۹۹۶ چین صاحب دو شرکت بزرگ و تا سال ۲۰۰۷ تعداد شرکت‌های بزرگ این کشور بالغ بر ۲۲ شد. با شتاب‌گیری اقتصاد و صنعت در سال ۲۰۱۶ تعداد این شرکت‌های بزرگ به بیش از ۱۰۰ رسید. از جمله شرکت‌های استیت‌گرد،^۱ شرکت ملی نفت چین،^۲ شرکت سینوپک گروپ^۳ و سیتیک گروپ^۴ که با حمایت تنگ شیائو پینگ در سال ۱۹۷۹ شکل گرفت، جزء پنج شرکت بزرگ چین محسوب می‌شوند.»^۵ این شرکت‌ها نقش بزرگی در پیشبرد پروژه‌ی «یک کمربند، یک راه» دارند. با رشد سریع شرکت‌های بزرگ چین و ظاهرشدن کشور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی در جهان، از سال ۱۹۹۹

^۱ State Grid

^۲ China National petroleum

^۳ Sinopec Group

^۴ CITIC Group

^۵ Asia Labour Update. China's Proposed Belt and Road Initiative. Issue 88. January- April 2018.

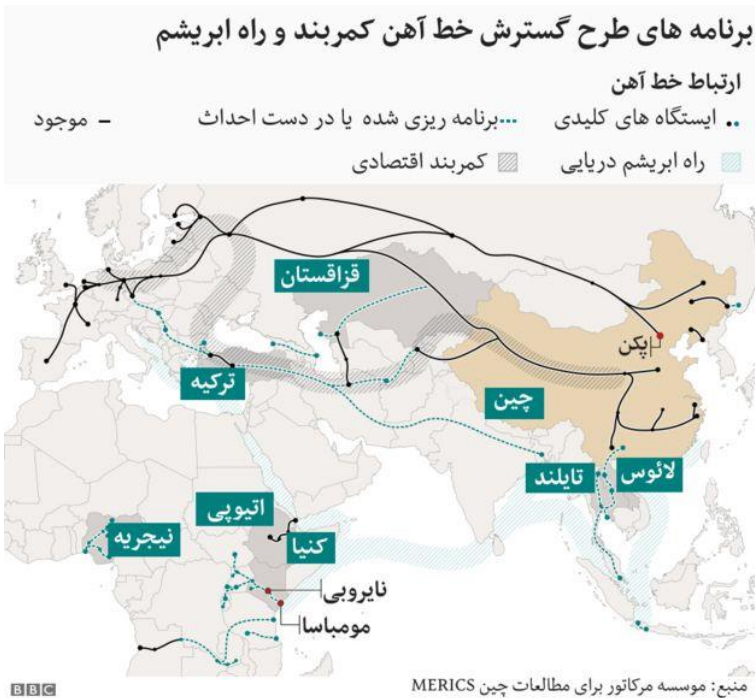
برخلاف گذشته که «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» به میزان بالایی توسط شرکتهای خارجی وارد چین می‌شد این بار به دستور حکومتگران و به پشتوانه‌ی اقتصادی قدرتمند، سیاست صدور سرمایه و «سرمایه‌گذاری مستقیم» به دیگر کشورها در اولویت سیاست اقتصادی چین قرار گرفت. به همین سبب پس از رشد هر ساله اقتصادی و راه‌اندازی پروژه‌ی «یک کمربند- یک راه» شاهد جهش بزرگ «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» چین در کشورهای افریقایی، آسیایی و اروپا هستیم. جدول یک میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور چین را از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ به میلیارد دلار نشان می‌دهد.

جدول یک - سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین

سال	سرمایه‌گذاری مستقیم چین (میلیارد دلار)
۲۰۰۸	۵۵,۹۱
۲۰۰۹	۵۶,۵۳
۲۰۱۰	۶۸,۸۱
۲۰۱۱	۷۴,۶۵
۲۰۱۲	۸۷,۸
۲۰۱۳	۱۰۷,۸۴
۲۰۱۴	۱۲۳,۱۲
۲۰۱۵	۱۴۵,۶۷
۲۰۱۶	۱۹۶,۱۵
۲۰۱۷	۱۵۸,۲۹
۲۰۱۸	۱۴۳,۰۴

بنا به آمار بالا و گزارش وزارت تجارت و بازرگانی چین، میزان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» چین در سال ۲۰۱۸ به میزان بالاتر از ۱۴۳ میلیارد دلار رسید که این کشور را به لحاظ «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» پس از آمریکا در جایگاه دوم جهان قرار داد. از همین رو، شکل‌گیری ابتکار «یک کمربند - یک راه» توسط چین، پروژه‌ای است راهبردی که از جمله در خدمت گسترش «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» با انگیزه‌ی رشد - که معنای نخست رشد، کسب سود برای شماری اندک است - و تسلط بر منابع انرژی دیگر کشورهای مورد معامله قرار دارد.

مسیرهای «یک کمربند - یک راه»



۱- « کمر بند » شامل مسیر زمینی است که شش مسیر و راهرو اقتصادی را پوشش می دهد:

- پل زمینی اوراسیا
 - چین - مغولستان راهرو روسیه،
 - چین - آسیای مرکزی - راهرو غرب آسیا
 - چین - راهرو شبه جزیره هندوچین
 - راهرو چین و پاکستان
 - راهرو میانمار (برمه) - بنگلادش - چین و هند
- ۲- « یک جاده » شامل مسیرهایی دریایی است که کشور چین را از طریق آسیا و خاورمیانه به اروپا متصل می کند. مسیری که از آن چون جاده ی ابریشم قرن بیست و یکم یاد می کنند. این مسیر دریایی آفریقا و مناطق اقیانوس آرام را دربر خواهد گرفت. علاوه بر این ها، روسیه و چین در گرماگرم بحران کنونی زیست بومی که کره ی زمین را فراگرفته است همکاری هایی را آغاز کرده اند که در آینده ساختن «جاده ی ابریشم یخ» را نیز برای رسیدن به قطب شمال و اکتشاف سوخت های فسیلی نفت و گاز در این منطقه به پیش ببرند.

اولویت‌های سرمایه‌گذاری

اولویت سرمایه‌گذاری در چارچوب «یک کمربند - یک راه» عبارت خواهد بود: بندرها، نیروگاه‌های برق، نفت و خط لوله‌ی گاز، خطوط راه‌آهن، جاده‌ها، پل‌ها، شبکه‌ی اینترنت و کشاورزی.

فواید بالقوه‌ی این ابتکار برای چین

- گسترش سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های متعلق به چین در ساختمان‌سازی، جاده کشی و خطوط راه‌آهن، ساختن بندرهای بارگیری و شبکه‌ی برق‌رسانی.
- تقویت پول رایج چین «یوان» به‌عنوان یک واحد پولی معتبر در جهان.
- بهبود شرایط اقتصادی مناطق غیرپیشرفته‌ی چین خصوصاً در بخش غربی کشور.
- فروش تولیدات مازاد داخلی.
- گشایش بازارهای جدید برای فروش کالاها و محصولات و خدمات.
- تلاش برای کسب موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی و چه بسا جایگزین کردن خود به‌جای امریکا در منطقه.
- برون‌سپاری مشکلات و انتقال صنایع آلاینده به کشورهای فقیرتر.

دلایل نگرانی چیست؟

بهرغم گفته‌های رهبران کشور چین که ابتکار «یک کمربند - یک راه» را یک خیزش بلند و پروژه‌ی صلح‌جویانه معرفی می‌کنند داده‌های موجود نشان می‌دهند

سرمایه‌گذاری‌هایی که توسط شرکت‌های بزرگ چین در کشورهای مورد همکاری انجام شده است همراه با تأثیرات منفی بوده است که شامل موارد زیر است:

فروشد محیط زیست

برای نمونه، تخلیه‌ی منابع طبیعی محلی، تخریب زیست‌گاه‌های طبیعی، آلودگی هوا و پروژه‌های صنعتی که غالباً بدون ارزیابی از تأثیرات تخریب آن‌ها بر زیست‌بوم اجازه‌ی فعالیت دریافت می‌کنند.

جابه‌جایی مردم بومی مناطق و تأثیرات فرهنگی بر اجتماعات محلی

پروژه‌های توسعه‌ی صنعتی غالباً بدون مشورت و رایزنی فرهنگی و حقوقی با مردم محلی و بومی و نهادهای مدنی مناطق انجام می‌گیرد.

نقض حقوق کارگران

گزارش‌های فعالان کارگری و کنشگران اجتماعی نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ چینی ناقض حقوق کارگران چینی و کارگران محلی هستند. کارگران از حق داشتن تشکل کارگری و قدرت چانه‌زنی محروم هستند.

وابستگی کشورهای در حال توسعه به بدهی‌های کلان

معمولاً چین وام‌های ارزان‌تر با شرایط بهتر نسبت به کشورهای غربی به کشورهای در حال توسعه اعطا می‌کند. اما مواردی مانند کشور سریلانکا وجود دارد که به‌خاطر پروژه‌های ناموفق صنعتی و وام‌های معوق و هزینه‌های پنهان و وجود فساد زیربار وام‌های کلان درمانده است. به همین سبب «سریلانکا به سبب ناتوانی خود در پرداخت بدهی یک میلیارد و صد میلیون دلاری خود، ناگزیر به واگذاری ۸۰ درصد از سهام بندر «هام بان توتا» و واگذاری زمین برای تأسیس مجتمع صنعتی به مدت ۹۹ سال به چین شده است. کشور کامبوج نیز در پی ناتوانی از پرداخت وام‌های خود،

۲۵ درصد از اراضی کشاورزی و جنگلی خود را تاکنون به چین واگذار کرده است.^۱ نمونه‌ی دیگر کشور تاجیکستان است که به‌گفته‌ی معاون مجلس نمایندگان تاجیکستان هم اکنون بدهی آن کشور به چین بالغ بر یک میلیارد و ۵۲۵ میلیون دلار است.

فساد و نبود شفافیت

تبانی با حکومتگران آلوده به فساد مالی و واگذاری پروژه‌های سرمایه‌گذاری با زدوبند در بالا باعث شکل‌گیری اعتراضات و تظاهرات مردم محلی در برخی از مناطق شده است. این اعتراضات در برخی از مناطق به شکل خشونت‌باری توسط حکومتگران مستبد محلی سرکوب شده است. این گونه سرمایه‌گذاری در برخی مناطق باعث رشد احساسات ضدچینی نیز شده است. مخالفت‌ها معمولاً از جانب شرکت‌های داخلی که توان رقابت با شرکت‌های بزرگ چینی را ندارند و برخی از سیاست‌مداران و مردم بومی که محل‌های زندگی و زیست‌بوم آنها آسیب دیده است صورت می‌گیرند.

تأمین امنیت «یک کمربند، یک راه» توسط شرکت آدام کشی «بلک واتر»

شرکت خصوصی امریکایی بلک واتر در واقع یک شرکت آدام کشی و «تأمین امنیت» است. این شرکت توسط «اریک پرنس» (او برادر وزیر آموزش دولت ترامپ، بستی دی ووس است) از نیروهای سابق ویژه نیروی دریایی امریکا که در درندگی و آدام‌کشی شهرت دارند بنیان‌گذاری شده است. این شرکت آدام‌کشی در زمان جنگ عراق و افغانستان با گرفتن قراردادی ۲ میلیارد دلاری از جانب دولت جورج دبلیو بوش برای کشتن شهروندان عراقی و افغانستانی مرتکب جنایت‌های بی‌شماری در

^۱ همان

این کشورها شد. این شرکت پس از آدم‌کشی‌های گسترده، در سال ۲۰۰۷ به‌خاطر کشتن ۱۷ نفر از مردم غیر مسلح عراق در دادگاهی مقصر و گناه‌کار شناخته شد. شرکت بلک واتر در سال ۲۰۱۰ فروخته شد و اریک پرنس در سال ۲۰۱۰ شرکت آدم‌کشی دیگری را به نام «فرانتیر سرویس گروپ»^۱ در ابوظبی بازگشایی کرد. او اخیراً طرحی را به دولت ترامپ داده بود که ترامپ جنگ در افغانستان را خصوصی‌سازی کند و پیمانکاری جنگ و آدم‌کشی در افغانستان را به او و به شرکت‌های مشابه بسپارد. در این دوره است که شرکت آدم‌کشی فرانتیر، وارد قراردادهای جدید با حکومتگران و شرکت‌های بزرگ چینی برای تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در مسیر «یک کمربند - یک راه» شد. آزان پس، «شرکت فرانتیر وارد قراردادهایی کلانی با شرکت‌های چینی خصوصاً با شرکت بزرگ "سیتیک گروپ" شد که بیشترین پروژه‌های ساختمانی و خرید و فروش ملک و املاک و نفت و گاز را در مسیر "یک کمربند، یک راه" به عهده دارد.»^۲ برپایه گزارش نیویورک تایمز، اریک پرنس، اظهار داشت: «وی همکاری با چین را در اولویت قرار داده است. و شرکتی را (فرانتیر) تأسیس کرده است که به شرکت‌های چینی در خارج از کشور کمک کند.»^۳ بی‌شک با گسترده شده عملیات شرکت‌های بزرگ چین در منطقه در چارچوب «ابتکار» نیازمندی آنان به تدریج به شرکت‌هایی مانند فرانتیر و مجتمع‌های نظامی - امنیتی برای «تأمین امنیت» نیز بیشتر خواهد شد.

۱ Frontier Service Group

۲ Chris Horton. The American mercenary behind Black water is helping china establish the new Silk Road. Quartz, April 2017.

۳ Blackwater Funder's New Company Strikes a Deal in China. he says he had no idea. 2019/02/01. New York times

تاریخ بارها نشان داده است که همگام با قدرت گیری اقتصادی و انباشت سرمایه به تدریج قدرت نظامی و امنیتی کشورها برای تأمین منافع خود نیز رشد خواهند کرد. آن چنان که رایت نویسنده‌ی کانادایی یادآوری می‌کند: «هزینه‌ی سالانه‌ی قدرت‌های بزرگ اروپایی برای جنگ‌افزار در سال ۱۸۹۰، ۱۵۸ میلیون پوند استرلینگ بود. با افزایش قدرت و توان اقتصادی در سال ۱۹۱۰ هزینه‌ی نظامی به ۲۸۸ میلیون پوند و سال ۱۹۱۴ به ۳۹۷ میلیون پوند استرلینگ رسید.»^۱ امپراتوری‌های انگلیس و آمریکا نیز چنین روندی را طی کرده‌اند.

تأثیر تخریبی «یک کمربند - یک راه» بر زیست‌بوم

گرچه در تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی که تاکنون در چارچوب این طرح شکل گرفته‌اند واژه‌هایی مانند «انرژی‌های پاک» و «حفاظت از محیط زیست» گنجانده شده، اما این الگوی رشد و پیشرفت که با انگیزه‌ی سود شکل گرفته است (تنها الگوی توسعه‌ای که غالب کشورها و بشر می‌شناسند) در مسیر خود تأثیر تخریبی گسترده‌ای بر محیط زیست و مجموعه‌ی اکوسیستمی که از پیش به گستردگی آسیب دیده است خواهد گذاشت. کشور چین در حالی پروژه‌ی «یک کمربند - یک راه» را در کشورهای دیگر به پیش می‌راند که طبق آمارهای موجود تا سال ۲۰۱۸ کارنامه‌ی محیط زیستی‌اش اسفبار است. بنا به گزارش نشریه‌ی مانتلی ریویو:

«بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تولید ناخالص داخلی چین ۵۲۳ درصد رشد داشته است. این رقم با شاخص رشد "ثروت فراگیر" (مجموعه دارایی‌های انسانی، طبیعی و اجتماعی) با در نظر گرفتن عامل محیط زیستی ۴۷ درصد بوده است. میانگین نرخ رشد که با توجه به شاخص ثروت فراگیر تعدیل شده طی این دوره منفی بوده است.

طی سه دهه‌ی مورد نظر مجموعه‌ی آلودگی آب و زمین و هوا تقریباً ۹۶۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. همچنین گزارش وزارت حفاظت از محیط زیست کشور چین نشان می‌دهد طی این سه دهه میزان آلودگی آب به‌تنهایی (اگر بتوان آن را با دلار سنجید!) معادل ۳۳۰ میلیارد دلار برآورد شده است. به‌گفته‌ی این وزارت‌خانه بیش از ۴۰ سال طول خواهد کشید که این خسارات جبران شود.^۱ با این کارنامه‌ی ضعیف، بخش عظیمی از تفاهم‌نامه‌هایی که حول این طرح شکل گرفته‌اند از آنجا که بافتار اصلی آنها استخراج و بهره‌برداری از سوخت‌های فسیلی و معادن زغال سنگ، نفت و گاز است، میزان تخریب زیست‌بوم مناطق مورد نظر که هم اکنون در شرایط بحرانی قرار دارند بحرانی‌تر از گذشته خواهند شد.

هم اکنون شرکت‌های بزرگ چین برای تأمین انرژی برای کشور خود به گسترده‌ی درگیر سرمایه‌گذاری در معادن زغال سنگ کشورهای دیگر هستند. به گزارش «مؤسسه‌ی جهانی محیط زیست» بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ کشور چین در ۲۴۰ پروژه‌ی صنعتی زغال‌سنگ‌سوز در کشورهای هند، اندونزی، مغولستان، ویتنام، ترکیه و پاکستان سرمایه‌گذاری گسترده کرده است. در زمانی که اکو سیستم و محیط زیست جهان به‌خاطر سیاست‌های اقتصادی - صنعتی و عملکرد نظام سرمایه‌داری به نقطه‌ای بحرانی و مرگبار رسیده است و جهان گرمایش بی‌نظیری را تجربه می‌کند استفاده‌ی گسترده از سوخت فسیلی و زغال سنگ از جانب هر کشوری که باشد بیش از هر زمان دیگری منجر به استمرار بیشتر تخریب زیست‌بوم آسیب‌دیده خواهد شد. به نظر بسیاری از اقلیم‌شناسان، جدی‌ترین خطر صنعتی و فناورانه کارخانه‌های زغال‌سنگ‌سوز هستند. این کارخانه‌ها بیشترین میزان آلاینده‌ی دی اکسید کربن را به جو زمین می‌فرستند. بنا به گزارش‌های فعالان محیط زیست در آمریکا کارخانه‌های

^۱ A Subaltern Perspective on china's Ecological A crisis. Lau Kin Chi. Monthly review Oct.01, 2018

زغال‌سنگ‌سوز بیش از وسایل حمل‌ونقل در این کشور دی اکسید کربن به جو می‌فرستند. به این سبب زیست‌بوم‌شناسان کارخانه‌های زغال سنگ سوز را کارخانه‌های مرگ می‌نامند. بی‌تردید سرمایه‌گذاری کلان و گسترده‌ی شرکت‌های بزرگ چین در حوزه‌ی نفت و گاز و زغال سنگ در کشورهای مختلف درست شبیه عملکرد تخریبی شرکت‌های بزرگ نفتی امریکا و انگلیس و دیگرانی که فعالیت سودمحور آنها طی سال‌های گذشته برای محیط زیست فاجعه بار بوده است، منجر به تخریب و تاراج گسترده‌تر زیست‌بوم مناطق مختلف در کشورهای فقیرتر خواهد شد. بنا به گزارش فعالان محیط زیست: «برپایه‌ی اقرار و اعتراف وزارت‌خانه‌ی حفاظت از محیط زیست و تجارت چین، معمولاً شرکت‌های بزرگ چین در پروژه‌های خارجی از قوانین و مقرراتی که غیر الزام‌آورند و توسط دولت چین به‌عنوان راهنمای عمل تهیه شده است پیروی نمی‌کنند. برای نمونه در کشور افریقای گابن در نیمه‌ی دهه‌ی ۲۰۰۰ عملکرد شرکت چینی «سینو پکز» باعث آلودگی گسترده‌ی پارک‌های ملی گابن و جنگل‌های گرمسیری و باران‌زای این کشور شد که اعتراض مردم محلی را به‌همراه داشت.»^۱

یکی دیگر از اهداف «یک کمربند- یک راه» برون‌سپاری مشکلاتی است که باعث آلودگی زیست‌بوم در چین شده است. به همین علت این «ابتکار» کمک خواهد کرد که چین برای کاهش آلودگی صنایع به‌شدت آلاینده‌ی خود این صنایع را از مناطق به‌شدت آلوده به دیگر کشورهای درمانده منتقل کند. صنایعی مانند تولید آهن، سیمان و فولاد که تخریب‌گر آب و خاک و هوا و سرطان‌زا هستند از جمله‌ی این صنایع آلاینده هستند. کشور چین به‌هیچ‌وجه نخستین کشوری نیست که راه رشد و پیشرفت را به بهای تخریب محیط زیست می‌پیماید. قبل‌تر کشورهای سرمایه‌داری صنعتی غربی امریکا و اروپا نیز در پیشینه‌ی خود تاریخ طولانی در تخریب محیط

^۱ Asia labour Update. April 2018

زیست داشته و دارند. اما این نباید راهنما و توجیه‌گر عملکرد تخریبی شرکت‌های قدرتمند چینی باشد. واقعیت تلخ این است که در ابتکار «یک کمر بند - یک راه» به‌رغم وجود لفاظی‌های وسوسه‌انگیز حفاظت از زیست‌بوم، آب و خاک و هوا، در مناطق مورد قرارداد موضوع محوری و نگرانی این «ابتکار» نیست. از آن‌جا که ساختار و بافتار محوری این «ابتکار» استخراج و بهره‌برداری بیشتر از منابع نفت و گاز و زغال سنگ با انگیزه‌ی کسب سود و بُرد - بُرد برای طبقات فرادست و سرمایه‌دار و پیمانکاران و دلال‌ها و واسطه‌گرها و کارچاق‌کن‌ها است، ناگزیر این «ابتکار» هم علیه محیط زیست و هم علیه نیروی کار و انسان عمل می‌کند.

«یک کمر بند - یک راه» ناقض حقوق ابتدایی کارگران

پس از تغییرات ساختاری سیاسی - اقتصادی در دهه‌ی ۱۹۷۰ و قانونی شدن خصوصی‌سازی و باز شدن درهای کشور چین به روی «سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی» و شرکت‌های سهامی بزرگ جهان و به‌وجود آمدن مناطق ویژه تجاری، طبقه‌ی کارگر چین تمام مزایایی را که طی انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی خود به‌دست آورده بود یک‌شبه از دست داد. همراه با تغییرات ساختاری و اجرای سیاست‌های نولیبرالی در مناطق آزاد تجاری و لغو پوشش‌ها و قوانین حمایتی از کارگران، طبقه‌ی کارگر چین در شرایط بسیار دشواری قرار گرفت. میلیون‌ها کارگر مشاغل رسمی و دایمی خود را از دست دادند. کارگران از حق داشتن تشکل‌های مستقل محروم شدند. ساعات کار طولانی‌تر شدند. امنیت شغلی لگدمال شد و میزان مرگ‌ومیر کارگران به‌علت شدت کار و حوادث و بیماری‌های شغلی افزایش یافت. برای نمونه بنا به گزارش سازمان جهانی کار در سال ۲۰۰۳ تقریباً ۴۳۲ هزار کارگر جان خود را بر اثر حوادث شغلی از دست دادند. حق اعتصاب از کارگران گرفته شد و دستمزد و مزایای کارگران تحت فشار سیاسی در نازل‌ترین

سطح خود قرار گرفت و تبعیض جنسیتی در استخدام زنان کارگر اعمال شد. برپایه‌ی این تغییرات ساختاری پسروانه، بیش از ۱۰۰ میلیون کشاورز از زمین و روستاهای خود جاکن شدند و به‌عنوان کارگران مهاجر در پروژه‌های ساختمان‌سازی در شهرها و مناطق آزاد تجاری که اختصاص به تولید اجناس صادراتی داشت با نازل‌ترین سطح دستمزد مشغول به کار شدند. اغراق‌آمیز نخواهد بود که بگوییم کشور چین بدون سازمان‌دهی نظامی نیروی کار و رفتار غیر انسانی و استثمار کارگران و تخریب گسترده‌ی محیط زیست خود به‌راستی قادر به چنین «رشد» سریعی نبود. این روند تخریبی توسعه‌ی سرمایه‌داری در چین که متکی بر استثمار سیستماتیک کارگران بود از نظر ایستوان مزاروش فقید، پژوهشگر برجسته‌ی مارکسیست دور نماند: «در چین، سرمایه‌داری با قدرت هر چه تمام‌تر در مناطق محدودی از کناره‌های شرقی آن کشور استقرار یافته است اما اکثریت عظیم جمعیت خارج از این چارچوب این نظام باقی مانده‌اند. حتا در مناطق آزاد تجاری کشور چین نیز که اصول سرمایه‌داری بر آن غالب است، بیرون کشیدن کار اضافی از طریق اقتصادی نیاز به کمک همه‌جانبه‌ی فشارهای سیاسی دارد تا بهای نیروی کار را به‌طور غیر طبیعی پایین نگه‌دارد.»^۱

به این ترتیب گام‌به‌گام قدرت تصمیم‌گیری از تولیدکنندگان واقعی سلب شد و با حمایت حکومتگران چین قدرت به صاحبان شرکت‌های بزرگ چین و پیمانکاران و طبقه‌ی میلیونرهای جدید منتقل شد. با این حال کارگران چین برای کسب حقوق خود بیکار نشستند و دست به سازماندهی جدید و مستقل و حرکت‌های اعتراضی زدند. در دهه‌ی ۲۰۰۰، شاهد اوج‌گیری جنبش حق‌طلبانه‌ی کارگری به‌صورت تظاهرات خیابانی و اعتصاب‌های کارگری برای کسب حقوق ابتدایی در چین هستیم. بنا به گزارش فعالین کارگری «فقط در سال ۲۰۰۴ کارگران چین ۷۴ هزار اعتراض

^۱ ایستوان مزاروش. فراسوی سرمایه، بحران ساختاری نظام سرمایه. ترجمه‌ی مرتضی محیط. جلد

کارگری را برای کسب حقوق ابتدایی خود سازماندهی کردند»^۱ بر این پیش‌زمینه‌ی تاریخی، یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی فعالان کارگری این است که در چارچوب «یک کمربند - یک راه» نقض حقوق ابتدایی کارگران توسط شرکت‌های بزرگ چین در کشورهای مورد قرار داد - کشورهای که حقوق ابتدایی کارگران آنان توسط حکومت‌های محلی خود از پیش لگد مال شده است - بدتر از گذشته خواهد شد. تجربه و عملکرد شرکت‌های بزرگ چین که برای تأمین منابع انرژی نفت و گاز چین و دیگر پروژه‌های ساختمانی در برخی کشورهای آفریقایی فعالیت می‌کنند نشان می‌دهد «کارگران از داشتن تشکل کارگری و قرارداد دسته‌جمعی کار محروم هستند. دستمزدها از میزان تعیین‌شده‌ی حداقل دستمزد پایین‌تر است. کارگرانی که تقاضای اضافه دستمزد می‌کنند اخراج می‌شوند. بی‌اعتنایی به قانون کار، فقدان آموزش به کارگران، نامناسب بودن محل اقامت کارگران در پروژه‌های بیابانی و دور از شهر، دادن پول و رشوه توسط مدیریت شرکت‌های چینی به برخی مسئولین حکومتی و مقامات انتظامی و مسئولان اتحادیه‌های زرد دولتی در کشورهای مورد معامله برای ساکت نگه داشتن کارگران معترض یا کارگرانی که شکایت عادلانه دارند، نمونه‌های دیگری از نقض حقوق ابتدایی کارگران توسط شرکت‌های بزرگ چینی است»^۲

نمونه‌ی دیگر، نقض حقوق کارگران پوشاک است. «در ژانویه‌ی ۲۰۱۷ کارگران شاغل که عمدتاً زن هستند در کارخانه‌ای در میانمار (برمه) که لباس‌های شرکت "اچ اند ام" را تولید می‌کند به‌خاطر شرایط کار طاقت‌فرسا و افزایش حقوق و مزایا دست به اعتصاب سه‌هفته‌ای زدند. کارگران پس از سه هفته مبارزه توانستند به بخشی از

^۱ Conditions of The working class in china. Robert well. Monthly Review. jun.01,2006

^۲ Asia labour Update. April 2018

خواست‌های خود دست یابند»^۱ یکی دیگر از موارد نقض حقوق کارگران توسط شرکت‌های بزرگ چین مخالفت شدید این شرکت‌ها با تشکیل اتحادیه‌های کارگری است.

در فیلم مستند «کارخانه‌ی آمریکایی - ۲۰۱۹، نت‌فلیکس» نشان داده می‌شود که صاحب میلیاردر شرکت چینی، سازنده‌ی شیشه‌ی اتوموبیل در اوهایو، آمریکا، مخالفت آشکار خود را با تلاش کارگران آمریکایی که خواهان تشکیل اتحادیه هستند اعلام می‌کند. این فیلم مستند نشان می‌دهد مدیران شرکت دست به اقداماتی می‌زنند که اتحادیه‌ی کارگری در این کارخانه که اکثر کارگران آن کارگران سیاه‌پوست آمریکایی هستند به هیچ‌وجه شکل نگیرد. در نمونه‌ای دیگر، بنا به گزارش اتحادیه‌های کارگری «در کشور غنا شرکت‌های چینی با داشتن اتحادیه و قرارداد دسته‌جمعی کاربه شدت مخالفند»^۲ البته در برخی از کشورهای آفریقایی که جنبش کارگری نسبتاً نیرومندی دارند کارگران توانسته‌اند با تکیه به قدرت خود تشکل صنفی و قرارداد دسته‌جمعی کار داشته باشند. در گزارش‌ها می‌خوانیم: فقط کارگران محلی نیستند که قربانی نقض حقوق کارگری توسط این شرکت‌ها هستند، کارگران چینی این شرکت‌ها نیز از حقوق و مزایای تشکلیابی و داشتن قرارداد دسته‌جمعی کار محروم هستند. طبق آمار موجود «از ماه نوامبر ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ مجموعاً هفت میلیون و ۹۶۰ هزار کارگر چینی به همراه شرکت‌های چینی در پروژه‌های ساختمان‌سازی و در کارخانه‌ها در کشورهای دیگر به کار مشغول شدند. این کارگران و کارمندان چینی نیز در خارج از چین قربانی بی‌عدالتی و تبعیض شرکت‌های چینی هستند و در

۱ همان

۲ همان

مواردی حقوق و مزایای آنان به موقع پرداخت نمی‌شود و از شرایط نامناسب زندگی در خارج آسیب می‌بینند.^۱

نمونه‌ی دیگر، اعتراض کارگران نفت سریلانکا نسبت به واگذاری منابع در قبال بدهی‌های پرداخت‌نشده و سنگین سریلانکا به شرکت‌های چینی است. از این رو، کارگران شرکت نفت سریلانکا با سازمان‌دهی اعتصاب، مخالفت خود را با عملکرد شرکت‌های چینی و واگذاری منابع به چین اعلام کردند. «در سال ۲۰۱۷ هنگامی که قرار شد سریلانکا انبارهای نفت متعلق به دولت را به شرکت‌های چین و هند واگذار کند اتحادیه‌ی کارگران نفت سریلانکا در اعتراض به این سیاست دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب بیست نفر از کارگران دستگیر شدند. پس از آن دولت سری‌لانکا بابت وام پرداخت‌نشده‌ی یک میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلاری خود بخش عظیمی از «بندرهام بان توتا» را که مرکز انبار مخازن نفت بود به شرکت چینی «مرچنت پورت هلدینگ» واگذار کرد.»^۲

با این داده‌ها، تجربه‌ی گسترش «سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی» چین در چارچوب «یک کمربند - یک راه» نه تنها تأثیر منفی در زیست‌بوم مناطق مورد قرارداد داشته است بلکه در دل خود ناگزیر، نقض ابتدایی حقوق کارگران را شامل می‌شود. بی‌جهت نیست که در این تفاهم‌نامه‌ها که در چارچوب این «ابتکار» شکل گرفته‌اند اساساً هیچ فصل و موردی در مورد حفاظت از حقوق عادلانه‌ی کارگران حتماً بر مبنای قوانین بنیادین سازمان جهانی کار وجود ندارد.

به دلایلی که در بالا برشمردم چنین برنامه‌ی عملی‌ها و قراردادهای تجربه‌شده‌ای ناگزیر هم علیه زیست‌بوم و هم علیه حقوق ابتدایی کارگران است. چنین «ابتکاراتی»

^۱ همان

^۲ همان

که در بیگانگی با طبیعت و نقض حقوق ابتدایی کارگران و بر مصادره و تاراج منابع کشورهای در مانده استوار است و هم‌کنشی عادلانه و یگانگی بین انسان و طبیعت را آشفته و مختل می‌کند، متأسفانه هیچ‌گونه نزدیکی با پیشرفت و توسعه‌ی پایدار انسانی و ترازمند در هماهنگی با زیست‌بوم نخواهد داشت و آن‌چنان که جهان بارها تجربه کرده است این‌گونه قراردادهای سرمایه‌محور با انگیزه‌ی سود از جانب هر کشور قدرتمندی که باشد هم چپاول‌گر زیست‌بوم خواهد بود و هم تاراج‌گر زندگی کنونی و آینده‌ی انسان.